

دینها
جیب و مغز
انسان را یکجا
خالی می کنند

پی‌دادی

ماهنشمه شماره ۶۷ سال سیزدهم
کانون خردمنداری ایرانیان

دھایی از اسلام،
رہایی از
بردگی و
عقب ماندگی است

شادباش نوروزی

امیدواریم بار و بار نوروز امسال آزادی باشد و خوشحالی

برای همه مردم ایران و سالی سواس پیروزی و شادگامی بروای شما

نوروز امسال یکی از سخت ترین نوروزهایی بود که ایرانیان به چشم خود دیدند. سفره‌ها خالی، بچه‌ها بدون لباس و کفش نو، دلها پر غصه و چشم‌ها پر آب ... آیا اسلام فقط برای گسترش فقر، آزار دادن مردم و بد بختی انسانهای شریف و زحمتکش نازل گردیده که طی ۱۴۰۰ سال یک کشور و یک ملت سر حال، خوشبخت و سر بلند از آن بیرون نیامده است؟

یوسف شریفی

درد اهل ذمہ

فشار مسلمانان بر اقلیت‌های مذهبی

یکی از اسفبارترین رویدادهایی که برای یهودیان ایران رُخ داده در عصر صفوی است. در دوران سلطنت شاه عباس دوم که در زمان رسیدن به سلطنت فقط ۹ سال داشت و هنوز خواندن و نوشتگان را هم نمی‌دانست.

در این رویداد شاه عباس دوم بر مبنای فتوای یکی از علمای شیعه فرمان داد که تمام یهودیان ایران باید مسلمان شوند و در غیر اینصورت منازل آنها مصادره و مردانشان شکنجه و آزار شوند. یهودیانی که حاضر به تغییر دین و پذیرش اسلام مانده در رویه‌ی ۲

دکتر م. ع. مهرآسا

بررسی آیات قرآن

قرآن بخش ۳۴ دنباله سوره‌ی الصافات

من به این دلیل و جهت، کتاب قرآن را مورد بررسی قرار می‌دهم که بنایه دین اسلام است. اسلام یعنی قرآن و مجموعه دین چیزی خارج از قرآن نیست. دیگر کتابهایی که در این ۱۴ قرن از سوی عالمان دین اسلام - از شیعه و سنی - نوشته شده و یا به چاپ رسیده است، همه بدون استثناء برداشت و استفاده از متن قرآن بوده است. اگر ثابت کنیم که بنایه این دین چه اندازه شست و مهمل است، لاجرم چهار ستون دین فرو می‌ریزد و بی پایه و بی مایه بودن ارجحیت که آخوندها و شریعتمداران می‌باشند بر ملامت شود.

اصرار من در این گونه بررسی‌ها برای رسیدن

یا پدران و گذشتگان ما زنده می‌شوند؟ بگو آری همه با خواری برانگیخته می‌شوید. آنها همه با تنها یک فریاد یا صیحه (منظور صور اسرافیل است) بیدار می‌شوند و از قبر بیرون می‌آیند».

میزان بی‌ارزش و بچگانه بودن این کلام روشن است. محمد هیج دلیلی به منکران ارائه نمی‌دهد جز اصرار بر ادعایی که کذب و بی‌پایه بودنش از همان روز تخت روشن بوده است. محمد خبر ندارد که هندوها همان زمان مردگان را می‌سوزانند و جسد به خاکستر تبدیل می‌شد. زردشتیان نیز جسد مردگان را در بلندی می‌گذاشتند تا خوراک لاشخورها و کلاغها شود. یعنی در هندوستان و بسیار جاهای دیگر گورنهادن و خاکسپاری وجود نداشت تا به صدای شیپور اصرافیل مردگان از قبر برخیزند.

چنین مهمی آن زمان نیز مورد پذیرش مردمان مکه و قوم قريش نبوده است؛ اما با تأسف و شرم‌ساری در قرن بیست و یکم مورد پذیرش آقایان دکتر نصر، دکتر سروش، بختیاری نژاد، مهندس بازرگان و دیگر باورمندان دانش آموخته‌ی آئین‌های هزاران سال پیش است. از آیه ۴۰ تا ۵۱ را از قرآن فارسی آقای بختیاری نژاد می‌آورم که شباهی نباشد که من دستکاری کرده‌ام و بیینید چه میزان مسخره است.

«غیراز بندگان پاک خدا که روزی معینی دارند. انواع میوه‌ها را دارند و آنها در بهشت پُر نعمت مورد احترام هستند. آنها روی تختها مقابله هم قرار دارند. زنانی با حیا و چشم درشت مثل تخم سفید پوشیده هستند. بعضی از آنها به بعضی روکرده و سؤال می‌کنند. یکی از آنها می‌گوید من در دنیا همنشینی داشتم.

توجه فرمائید مترجم هرچه تلاش کرده توانسته جملاتی قابل پسند و اشایی بهم مربوط و جمع و جور را به دست دهد! آنگاه بربطیق چند آیه بعدی چون همنشین این فرد، آدمی با خرد بوده و روز جزا و جهنم و بهشت را منکر شده است در تیجه حضرت در آیه ۵۵ از سوی آن فرد بهشتی می‌گوید:

«پس نگاه می‌کند و او را (همنشین گُم شده را) در وسط جهنم می‌بیند! یعنی همنشینی را که پی‌اش می‌گشت درون جهنم می‌بیند!»

اگر مؤمنان به دقت به معنای قرآن توجه می‌کردند، می‌فهمیدند که محمد بهشت و جهنم در ذهن ساخته و پروریده است که هر کدام حتا به اندازه یکی از نخلستان‌های شهرش وسعت ندارد. زیرا سخنگوی آیه ۵۵ از درون بهشت نگاه می‌کند و همنشین دنیايش را در وسط جهنم می‌شناشد و می‌بیند.

چنین جهنم و بهشتی با این اندازه و وسعت طبق آیات قرآن، به یقین باید شبیه دو خانه‌ی همسایه و کنار هم باشد. پس چگونه سدها میلیارد آدم باید درون آنها ریخته شوند؛ و یا درون قصرهایی که بزرگی‌شان را در کتابها توصیف کرده‌اند، با حوریان آنچنانی لذت ببرند؟ و یا در آن جهنمش میلیاردها آدم گناهکار عذاب بکشند؟! آری این قرآن است که می‌گوید از درون بهشت آدمهای درون جهنم را می‌توان دید و شناخت! من توهین یا سخنی زشت نگفته‌ام و تنها این مهملات را تبیین و بررسی می‌کنم! مهمل و ارجیف تا چه اندازه؟!

دنباله‌ی بورسی آیات قرآن

به همین منظور است. به همین دلیل همیشه خواهش کرده‌ام، مخالفان دین، قرآن را آتش نزنند، بلکه ترجمه فارسی آن را بخوانند.

دنباله سورة «والصالفات»

علت اهمیت دادن به این سوره را مقداری در شماره پیش نوشت؛ و اینجا نیز اشاره‌ای به این مطلب می‌کنم که نویسنده قرآن در نوشن این بخش از کتاب نه به مفهوم و معنا توجه داشته و نه به انشاء و روانی مطلب از منظر ادبی اهمیت داده است.

هیج یک از مترجمین قرآن نیز توانسته اند اشای مهمل و آیات بی‌معنی و درهم این سوره را جمع و جور کنند و به نوعی قابل فهم آن را به خواننده بنمایانند.

محمد در این سوره به مانند دیگر سوره‌های مکی به نیت خود می‌خواهد با ایجاد ترس از جهنم، مردم با خرد مکه را که گوش به این دروغ‌ها نمی‌دهند، به سوی خود جلب کند. اما مردم دانا هستند و می‌دانند حضرت دروغ می‌گوید و منظورش از این سخنان مهمل رسیدن به هدف سروری و سلطنت بر عربستان است.

آن همه پشتکار و پایداری و پیگیری برای رسیدن به هدف، و قبول آن همه خواری و ذلت توسط منکران و دشمنان و حتا نزدیکان و غالب عموهای خود محمد نیز، مانع نشد که او از رسیدن به مقصد که نوعی سلطنت و حکومت برکشورش بود دست بشوید و صرف نظر کند. مردمان فهمیده و اندیشمند مکه و شبه جزیره عربستان، کاملاً می‌دانستند که سخنان محمد با منطق و خرد هماهنگ نیست؛ لذا او را دیوانه خطاب می‌کردند. آیه ۳۵ و ۳۶ این سوره چنین است:

۳۵- إنهم كانوا إذا قيل لهم لا اله الا الله يستكرون.

۳۶- ويقولون أينما تاركوا لهاتنا لشاعر مجنون؟

«آنها کسانی بودند که وقتی به ایشان گفته می‌شد خدالی خیر از الله وجود ندارد، گردن گلفتی می‌کردند. و می‌گفتند ما دین و خدای خود را به خاطر شاعری دیوانه توک کنیم؟»

به حقیقت قریش در مکه مردمی دانا بودند؛ و می‌دانستند این مرد که ادعای پیامبری می‌کند اگر یک شیاد نباشد، حتماً با این همه مهمل گویی دیوانه است.

در حقیقت، حق با مردم مکه و طایفه قریش است که این گونه گفته‌ها و نوشته‌ها را از توهمات یک مجنون بدانند و این همه تکرار مکرات را حاصل جنون تصور کنند. زیرا برای سدمین بار داستانهایی از موسی و نوح نبی و قوم عاد و ثمود و... به گونه‌ای شست و بی‌ارزش را تکرار می‌کند و می‌نویسد؛ و گویا متوجه نیست که در چندین سوره این داستانها را بازگویی کرده است.

گفته‌های این پیامبر الله در این سوره چنان شست و بچگانه و دور از خرد است که آدمی متغير می‌شود دانش آموختگان آلوده به تعصب دینی چگونه این مطالب را نه تنها باور دارند که آنها را معجزه توصیف می‌کنند دقت کنیم در این چهار آیه ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ که مردم چگونه در برابر دروغها مقاومت کرده‌اند.

«آیا چون ما مردیم و استخوانهای ما خاک شد، باز زنده می‌شویم؟

درد اهل ذمه (۲)

مانده از رویه‌ی نخست

لباس‌ها و رختخواب‌های خود را به پشت خود بسته بودند از منازلشان خارج شدند. وقتی یهودیان با آن وضع فلاکت بار از خانه‌های خود اخراج می‌شدند. مردم هر زه نیز آنان را دنبال می‌کردند و کلمات زشت به دختران و پسران جوان آنان می‌گفتند، در کنار شهر در محلی دور زمینی بود که نه خانه‌ای داشت و نه محلی برای زندگی بود صدراعظم اعتمادالدوله دستور داد که تمام یهودیان را به یکدیگر بینند و به آن محل بیاورند. زمین از آب پوشیده شده بود فصل سرد پاییزی و زمین یخ بسته بود یهودیان را روی زمین یخ زده نشانده و سربازان آن‌ها را کتف می‌زدند. یهودیان در آن وضعیت سه روز و سه شب گرسنه نگه داشته شدند. پس از سه روز اعتمادالدوله دستور داد یهودیان را به شهر بیاورند و به سیاهچال‌ها بیندازند (این گروه یهودیانی هستند که نمی‌خواهند اسلام بیاورند) در نهایت آنها مجبور شدند تغییر دین دهند و اسلام را پذیرند.

آراکل ارمنی مورخ تبریزی می‌نویسد، یهودیان تازه مسلمان شده در بیرون از خانه به ظاهر مسلمان شده و به مساجد می‌رفتند و نماز می‌خوانندند اما، به خانه‌های خود که بر می‌گشتند به صورت یک یهودی در می‌آمدند و قوانین دین یهودی را اجرا می‌کردند.

در کتاب عباسنامه آمده است که در این رخدادها بیست هزار خانواده یهودی مجبور به پذیرش دین اسلام شدند، و در صورتی که شمار افراد هر خانواده را بین پنج تا شش نفر بگیریم، در آن دوران بین سه تا سه و بیست هزار نفر یهودی را مجبور کردنده مسلمان شوند.

ادame دارد. در شماره‌های بعد، آزار دادن ارامنه و اجبار آنها به مسلمان شدن، آزار هندیان، زرتشیان، صوفیان و سنی مذهبان.

می‌شدند می‌توانستند در خانه‌های خود باقی بمانند و جزیه نپردازنند، دو تومان هم انعام می‌گرفتند اما دلیل مسلمان کردن یهودیان این بود که ۲ مسلمانان باور داشتند یهودیان نجس هستند و بودن در کنار آنها موجب نجس شدن مسلمان‌ها می‌شود.

پس از اسلام آوردن یهودی‌ها برای آنها ناظران و معلم‌هایی برای تعلیم اسلام و رفتن به مساجد گمارده شدند. و آنها بیان را که تن به تغییر دین ندادند با شکنجه و آزار و مصادره خانه‌های آنها از شهر «اصفهان» به بیرون از شهر فرستادند یهودیان خانه و کاشانه از دست داده غمگین و اندوهناک می‌گفتند این شهر اصفهان را نیاکان ما بنا کرده‌اند و نامش در آغاز دارالیهود بود و ما که جزیه خود را می‌پردازیم چرا باید دین خود را از دست بدھیم.

جارچیان حکومتی در کوی و بربز راه افتادند به یهودی‌ها پیام دادند که اگر از شهر ما بیرون نروید، مسلمانها سرتان را خواهند برید. جارچی‌ها می‌خواهندند.

همه بیرون روند از ماده و نر که فردا هر که ماند می‌بُرند سر یهودیان از صدراعظم پرسیدند کجا باید برویم؟ صدراعظم آنها را به نقطه دورافتاده‌ای به نام کلاه قاضی که در ده فرسنگی شهر بود و نه آب داشت و نه گیاه روانه کرد و در نهایت صدراعظم فرمان نهایی خود را صادر کرد «تمام یهودیان کشور باید مسلمان شوند و یا همه از ایران بیرون بروند و اگر بیرون نروند و مسلمان نشوند قتل عام خواهند شد». این گونه بود که بسیاری از یهودیان در یک موقعیت فاجعه‌آمیز قرار گرفته بودند و چاره‌ای جز پذیرش اسلام نیافتدند. مقرر شد به هر مرد جدید اسلام یک تومان و نیم، به هر طفل پنج قران و به هر فقیر ژنده پوش یهودی دو تومان از محل موقوفه چهارده معصوم بپردازنند. این کار در هجره شهر دیگر ایران مانند کاشان، نظرز، همدان، خوانسار، گلپایگان، لار و شیراز رُخ داد. در کتاب اجتماعی کاشان به قلم حسین نراقی آمده است، در طول هفت سال سه بار یهودیان را با زور مسلمان کردن چون معلوم می‌گردید که اقرار و ایمان آن‌ها دروغ و ظاهربوده است. کار که به تعقیب و مزاحمت و گاهی نیز به گشتار می‌کشید، چنان که در یکی از کشمکش‌ها ۱۵۰ تن یهودی در کاشان گشته شدند و گنیسه‌های آن‌ها نیز خراب و ویران گردید.

تاریخ نگار ارمنی «آراکل تبریزی» می‌نویسد. یهودان گفتند چون این دستور پادشاه است ما بدون هیچ گونه سوالی آن را اجرا می‌کنیم فقط درخواست داریم که به ما سه روز مهلت داده شود که بتوانیم لوازم و اسباب‌های خود را جمع‌آوری کنیم و ضمناً افراد بیمار، کودکان و پیران بسیاری در بین ما هستند، آنها نمی‌توانند شبانه حرکت کنند. اما سربازان این اجازه را به یهودان ندادند. سربازان اموال و اثاثیه یهودیان را بهم ریختند و آن‌ها را کتف زدند و زخمی کردند و تمام یهودیان را شبانه از منزل شان اخراج گردند. یهودیان در حالی که گریه می‌کردند و

تاریخ دنیا، بیش از هو چیز تاریخ بیرحمی و ستمگیریهای است، اما در میان همه این فجایع، بیرحمانه‌ترین و ستمگرانه‌ترین آنها فجایعی است که زیر لوای تعصبات مذهبی صورت گرفته است.
توضیح المسایل - شجاع الدین شفا

بازی موش و گربه

۳۴ سال است مسلمانان حاکم در ایران هر روز دروغ می‌گویند و سر مردم ایران و جهان را سرگرم کرده و با ساختن بحران‌های تقلیبی همه را گول زده‌اند. چند سالی هم هست در ماجراهی انرژی اتمی یک سخن راست از زیانشان در نیا مده و حسابی سر مردم دنیا کلاه گذاشته‌اند. امروزها غربی‌ها با نام ۱ + ۵ مانند یک موش از حال رفته و نحیف در دستان یک گربه زیرک و فریبکار و چاق و چله شده از پول باد آورده نفت اسیر شده‌اند و نمی‌دانند با این مکار هفت خط و هفت سر چکار بکنند در این میان بازنده اصلی مردم ایران هستند که در اثر تحریم‌های بین‌المللی توان پس می‌دهند و زجر می‌برند.

مردمی کمترین درکی از آزادی و دموکراسی نداشته و روی آمسایش نخواهند دید. این دسته از مردم چنانچه با یک انقلاب فرهنگی و فکری و روشنگری دینی خود را تغییر ندهند هیچگاه به آزادی و عدالت نخواهند رسید. و چنین ملتی را حکومت جناحیتکار اسلامی دوست می‌دارد و خواهان داشتن آن است. در یکی از فرتورهای (عکس‌های) منتشر شده در پارک خانه هنرمندان یکی از جوان‌های در حال اعدام سرش را روی دوش جlad صورت پوشیده خود گذارد و گریه می‌کند. این فرتور یکی از دردآورترین عکس‌های تاریخ بشری است. وای بر حال جامعه‌ای که در آن شانه‌های جlad، آخرین پناهگاه اشک‌های یک محکوم باشد.

این جوان از سر فقر، برای دزدیدن هفتاد هزار تومان (۲۵ دلار) اعدام می‌گردید.

پرویز مینویی

کدام را باور کنم

من یک کتاب به اصطلاح مقدس در اختیار دارم که در صفحه ۶ آن عنوانی است به نام «طوفان نوح» و این گونه آغاز می‌شود «در این زمان که تعداد انسانهای روی زمین زیاد می‌شود. پسران خدا مجدوب دختران زیباروی انسانها شدند. هر کدام را که پسندیدند برای خود به زنی گرفتند... پس از آنکه پسران خدا و دختران انسانها با هم وصلت نمودند، مردانی غول‌آسا از آن به وجود آمدند. اینان دلاوران معروف دوران قدیم هستند» در اینجا سه چیز مشخص می‌شود.

۱- آنکه رضایت دختران شرط نبوده است. ۲- خدا دارای تعداد زیادی پسر بوده است. ۳- نوه‌های خدا مردان پهلوان قدیم هستند. اگر این را بپذیریم باید بپذیریم که خداوند در زمان نوح یک یا چند زن داشته است و تعدادی پسر از این ازدواج یا ازدواج‌ها پدید آمده بودند. ما اگر مسلمان باورمندی باشیم هر روز ۱۷ رکعت نماز می‌خوانیم و در هر رکعت می‌گوییم «لم یلد و لم یولد...» یعنی روزی هفده بار می‌گوییم خدا بچه نمی‌آورد و خودهم زاده نشده است.

اگر یک مسیحی باورمند باشیم، عیسی را پسر مریم و خدا می‌دانیم. یعنی مادر عیسی مریم و پدر او خدا بوده است. این سه باور مربوط به سه دین ابراهیمی هرسه با یکدیگر در ضدیت و خلاف هستند. یک جا می‌گوید پسران خدا که بادختران انسان ازدواج کردند، نوه‌های خدا مردان پهلوان قدیم شدند و در یک جا خدا دارای پسری بنام عیسی می‌شود که یک آدم ضعیف و کتک خور بوده و قادر نبوده خود را از صلیب برهازند و در اسلام می‌گوید خداوند نه می‌زاید، نه زاده شده است. شما کدام را باور می‌کنید. آیا این سه توضیح ضد و نقیض هرسه از جانب خداوند آمده است؟

Parviz Minooee@msn.com

نوشته سهراپ - ف محله

شانه‌های جlad، تنها پناهگاه اشک‌های

محکوم به اعدام

صبح روز ۲۷ دی ماه، ماه پیش از سالگرد ۲۲ بهمن، روزی که آسمان بر سر ایران فرو ریخت در اقدامی غیر معمول حکم اعدام دو تن «متجاوز به زور» یکی در استادیوم ورزشی شهر سبزوار و دومی در مشهد اجرا شد.

تماشاگران زیادی برای دیدن اعدام سبزوار بر روی سکوهای ورزشگاه نشسته بودند و از اعدام جوانی که خود پرورده دست این رژیم است لذت می‌بردند. در همین روزها دو جوان کم سن و سال به جرم «зорگیری» که نه تجاوز کرده بودند و نه کسی را کشته بودند یعنی به زور (واحتمالاً از سرگرسنگی و نیاز) جنسی یا پولی را از دست کسی قاپ زده بودند برای اعدام به محل پارک هنرمندان تهران آوردند. دو جوان در حالیکه باور نمی‌کردند خداوند رحمان و رحیم و رافت اسلامی مجازات آنها را به اعدام پکشاند با دیدن میله‌های با طناب دار رنگ و روی خود را باختند و به التماس و گریه افتادند، زار می‌زدند و اشک می‌ریختند و یکی از آنها سرش را به دوش جladی که در کنار ایستاده بود (عکس و فیلم هایش منتشر شد) گذارد و با صدای بلند گریه می‌کرد و آن دیگری با چشم‌های حیرت زده و صورت سفید شده خود به هرگوشه‌ای از دور بر خود نگاه می‌کرد که آیا کسی بهنجات او خواهد آمد؟ اما در چهره‌های جladان و بدتر از آنها در نگاه مردم که گویی همه بمانند سنگ دلی در سینه داشتند، به آنها نگاه می‌کردند اثربی از ناراحتی، ترحم و انسانیت دیده نمی‌شد.

اعدام بخودی خود یک جنایت تمام عیار برعلیه بشریت است، ستاندن جان یک انسان بهر دلیلی به دور از وجودان و شرافت انسانی است. اگر تمامی دادگاههای جهان نیز بر درستی حکم اعدام رای بدهند، چیزی از پستی آن عمل قرون وسطایی نمی‌کاهد. اعدام دولتی همانند قتل عمد و زشت‌تر از قتل عمدى است که یک تن انجام میدهد.

انجام اعدام‌های روزانه بر عکس آنچه انتظار می‌رفت، نه اینکه مردم و جوانان را از انجام کارهای خطاب بری نکرد بلکه مردم را هم سخت‌دل و سنگدل‌تر نموده که مراسم اعدام را جایی برای تفریح و گذراندن وقت بشمار می‌آورند. ملتی که صبحگاهان بجای آماده شدن برای رفتن سر کار و مدرسه شال و کلاه می‌کند برای دیدن اعدام یک جوان خود را به آن میدان برساند مردمانی بی فرهنگ و خشونت پرست هستند که سزاوار داشتن حکومتی اسلامی می‌باشند و شایسته حکومتی است که خونش را در شیشه کرده و جانش را به لبس رسانیده است. چنین

رضا ساکی - سیاوش لشگری

لیگ بر ترا اعدام!

بنظر من، همه اعدام‌ها باید در ورزشگاه‌ها انجام بشود، چون فضای کافی برای نشستن همه هست، همه می‌توانند مراسم را با تمام جزئیات تماشا کنند و درس عترت بگیرند و یک روز تفریحی هم داشته باشند.

اجرای حکم در محل‌های دیگر به تماشاجی محترم اجازه نمی‌دهد راحت بنشینند و از جزئیات صحنه فیلمبرداری کنند و یا آن را خوب ببینند. بارها شاهد بوده‌ایم مردم برای دیدن اعدام از درخت‌ها بالا رفته‌اند و از تیرهای چراغ برق آویزان شده‌اند و دست و پایشان خراش برداشته است من خودم خیلی دوست دارم برادرم را برای درس عترت گرفتن به تماشای اعدام ببرم ولی می‌ترسم در شلوغی و ازدحام نتواند صحنه کامل اعدام را مشاهده کندا.

در هفته گذشته در یکی دو استادیوم ورزشی اعدام‌های جالبی صورت گرفت، برای نمونه در ورزشگاه سبزوار بود که با حضور پرپرور تماشگران برگزار گردید. بنظر میرسد که در آن استادیوم همه تماشگران به خوبی درس عترت گرفتند. واقعاً باید از این حرکت حمایت کرد در ورزشگاه‌ها بچه‌های کوچک را نیز می‌توان با خود بهمراه برد، پیشنهاد می‌کنم پیش از اعدام و پس از اعدام مسابقاتی هم در همان استادیوم بگذارند تا به پیشرفت فوتbal کشور هم کمکی بشود. البته اگر پیشرفت فوتbal کشور را جدی بگیریم، می‌توان در پانزده دقیقه وسط هالتاپیم که ورزشکاران استراحت می‌کنند چند اعدام هم داشته باشیم اجرای حکم اعدام در ورزشگاهها سد در سد یک کار فرهنگی است چون در این ورزشگاهها مردم درس عترت می‌گیرند، درس گرفتن یک کار فرهنگی است!

ای کاش چنان پیشرفت کنیم که در سینماها هم جلوی پرده سینما پیش از شروع فیلم یکی دو نفر را اعدام کنیم تا حتا آنها که سینما دوست هستند و به ورزشگاهها نمی‌روند از گرفتن درس عترت محروم نشوند. اینکار، کار فیلمسازان مسلمان و حزب‌الله است که به مناسب موضوع هر فیلمی از میان مردم فرد مناسبی را برای اعدام انتخاب کنند اگر فیلم عشقی است، اعدام شونده کسی باشد که معشوقه‌اش را کشته است، اگر فیلم پُر از زد و خورد است افراد شرور را اعدام کنیم.

اگر در شهر و شهرستانی زمین ورزشی مناسب و بزرگ نبود اعدام‌ها را حتی در زورخانه‌ها و سالن‌های کوچک والیبال و بسکتبال می‌توان انجام داد، در زمین بسکتبال نیازی هم به بر پا کردن چویه‌دار و جرثقیل نیست، حلقه بسکتبال کافی است.

اگر بشود سعید مرتضوی را مسئول و مدیر این وظیفه کنیم که اعدام‌ها را در میان بازی‌های لیگ ۱ و ۲ جای بدهد، برای عترت مردم از این کار مهم فرهنگی تاثیج چشم گیری خواهیم گرفت و چشم ابرقدرتها را کور خواهیم کرد.

جشن نوروزی نیویورک

شنیدیم امسال هم مانند چند سال گذشته به همت تعدادی از عاشقان سریلاندی ایران و ایرانی جشن نوروز، با زیبایی تمام در خیابانهای نیویورک برگزار گردید. هزاران آفرین ببرگزار کنندگان این جشن باشکوه و پُر زحمت.

هر ایرانی که می‌تواند در این مراسم شرکت کند حتماً این کار را انجام دهد و به آبروی این جشن ملی بیفزاید. یادتان باشد مسلمانها برای مبارزه با نوروز در روزهای عاشورا هزاران نفر را از سراسر آمریکا در همین خیابانهای نیویورک جمع می‌کنند تا با کوییدن به مخ و کله خود آن عقل نداشته را هم از دست بدهنند و باعث آبروریزی برای ما گردند. شرکت در جشن‌های ایرانی نوروز یک مبارزه‌ی ملی و توده‌ی به عربیده کشان زنجیرزن و سیاهپوش است با رفتن به نیویورک بویژه از لس آنجلس که هم میهنان زیادی داریم در این کار میهنه شرکت نمایید.

دوستی حکایت می‌کرد، برای سوپر مارکتی که داشتم، یک کارگر مسلمان بنگلادشی نمازخوان و روزه‌بگیر استخدام کرده بودم. ظاهرش بسیار مؤدب و مطیع، پس از سه ماه متوجه شدم دزدی می‌کند، او را به دفترم خواندم و گفتم چرا دزدی می‌کنی، قرآن از جیبیش درآورد و محکم زد روی آن و گفت بهاین قرآن دزدی نکردم! اصرار نکردم و گفتم اشکالی ندارد اما مواظب رفتارت باش. چند هفته نگذشت دزدی اش را گرفتم، دوباره قرآن را از جیب بغلش بیرون آورد و گفت بهاین قرآن دیگر نخواهم کردا چون زن و بچه داشت دلم نیامد بیرونش کنم و سوگندش را پذیرفتم و به او گفتم توکه به قرآن سوگند خورده بودی پس چرا سوگند خود را شکستی گفت به مرگ جفت بچه هام شیطان گولم زد. آبرودار هستم مرا ببخش جبران می‌کنم. گفتم این آخرین فرصتی است که بتو می‌دهم، مواظبت هم خواهم بود، اینبار می‌دهمت دست پلیس، گفت چشم قول می‌دهم. دو ماه نکشید نگهبان در فروشگاه او را در حال بُردن یک کارتمن سیگار که زیر پیراهنش پنهان کرده بود گرفت! ای بابا من با این دیندار نماز خوان و مؤمن چکار بکنم؟ نمازت به کمرت بخورد مرد، شما مذهبی‌ها چقدر دروغ می‌گویید، خجالت از دیگران نمی‌کشید، از خدایتان نمی‌کشید، از خودتان و از زن و بچه بی‌گناهتان خجالت بکشید.

رأی تهیه کتاب هفت‌سالگفتار و ریاضی با شاعر آن دکتر نادر نوع پرست

تلفن ۰۹۱۳-۰۵۰۰-۹۴۹ تماس بگیرید.

بوگزیده و بوگردان - محمد خوارزمی از آسوشیتد پرس

رسوایی تجاوز جنسی کشیشان آمریکا

می نمایم تا قلب و روح این هایی که به آنها تجاوز شده را با رحمت الهی
شفا دهدا

در مورد دیگری پرونده نشان می دهد کشیشی به فرزندان افرادی که
غیرقانونی در آمریکا سکونت داشتند تجاوز کرده و آنها را تهدید
می نموده که اگر قضیه را گزارش کنید ترتیبی میدهم که شما را از آمریکا
اخراج کنند.

پرونده دیگر مربوط به یک کشیش مکزیکی است که در شهر
مکزیکوستی مرتكب تجاوز به بچه ها شده بود اما کلیسا او را
به لس آنجلس منتقل کرده است و او که نامش «نیکلاس ریورا» است
همچنان به تجاوزهای جنسی در لس آنجلس ادامه می دهد. دست
اندرکاران کلیسا پیش از گزارشی به پلیس مراتب را پیشاپیش به او گفته
و او به مکزیک فرار می کند. لااقل ۲۶ کودک به پلیس گفتند در مدت ده
ماهی که این کشیش در لس آنجلس بوده به آنها تجاوز کرده است.

هم اکنون (در ماه ژانویه ۲۰۱۳) پرونده خصوصی ۱۳ کشیش دیگر نیز
در جریان است. این پرونده ها شامل ۲۰۰۰ برگ است که قرار است
در دسترسی همگان قرار گیرند و قرار است کلیسا ۶۶۰ میلیون دلار
به آسیب ديلگان جریمه بپردازد.

کلیسا قبل از سال ۲۰۰۷ موافقت کرده بود تا پرونده بیش از ۵۰۰۰ نفر
از کشیشان متوجه را ارائه دهد، اما وکیل حدود ۳۰ تن از آنان سخت
می کوشد تا نام آنها منتشر نشود. در گزارش دیگر آمده است رهبران
کلیساها برای ده ها سال کشیش های متوجه را از محلی به محل دیگر
منتقل کرده اند و بر روی گزارشات متوجه زین سرپوش می گذاشتند و
به مراجع قانونی گزارش نمی کردند.

کاردینال «ماهونی» در سال ۲۰۱۱ پس از ۲۶ سال که در راس هرم ۴
میلیون گردانندگان و کشیش ها قرار داشت بازنیسته شده است و اکنون
در مورد کشیش «مایکل بیکر» سخت پاییش درگیر است. کشیش
«مایکل بیکر» «ماهونی» را در جریان تجاوز های خود قرار داده بوده
اما «ماهونی» آن را گزارش نکرده است. «مایکل بیکر» در سال ۱۹۸۶
به اقرار خودش دو برادر را به مدت ۷ سال مورد تجاوز قرار میداده
است. در پی جنجالهای جنسی در میان جامعه روحانیت مسیحی
پاپ استغفا کرد. او ترسید سر پیری پرونده خودش هم بیرون بیاید

**در سال گذشته، آخوندهای مسلمان در کاردزدی و کشیش های
مسیحی در کار سکس با همکاران مود و بچه های خردسال بین
سایر مذاهب و تبله نخست را به دست آوردند!**

کاردینال عالی رتبه و بازنیسته «راجر ماهونی» به همراه یارانش
در کلیسای کاتولیک در یک پنهانکاری بر روی تجاوزهای جنسی
کشیش ها بر کودکان سرپوشی گذارده تا از آبروریزی کلیسا جلوگیری
نمایند.

یک آمار محترمانه که علیه کشیشان متوجه در دادگاه جنایی تشکیل
شده نشان می دهد، چگونه کلیسا با موارد متعدد تجاوز جنسی
کشیش ها به مدت ده ها سال برخورد می کرده و موضوع نادیده گرفته
می شده.

یادداشت های آقای کاردینال «ماهونی» نشان می دهد که او از ارتکاب این
تجاوزها ناراحت می شده و کشیش های بزرگ کار را برای درمان
می فرستاده و در برخی مواقع این درمان ها با تأخیر یا چشم پوشی
مواجه می گردیده است.

«ماهونی» گزارش های روانشناسان برخی از کشیش هایی را که در
موارد بسیار دیگر از تجاوزها شرکت داشته اند دریافت می کرده ولی
مدرکی وجود ندارد که او و یا سایر رؤسای کلیسا آنها را پیگیری کرده
باشند.

«ماهونی» در سال ۱۹۹۱ در پرونده کشیش «لین کافیو» چنین نوشت
است: این عمل بنظر من غیرقابل تحمل و غیر قابل پذیرش است.
«کشیش کافیو» مظنون بود که پسرها را به درون اطاق خود برده در را
به روی آنها می بست و از آلت تناسلی آنها و تجاوز به آنها ویدئو تهیه
می کرد و از کسانی که می خواستند این ویدئوها را تماشا کنند ۱۰۰ دلار
می گرفت. کلیسا «کافیو» را برای معالجه «ترابی» فرستادند و او را از
کلیسا طرد کردند اما کاردینال ماهونی او را تا سال ۲۰۰۴ خلع لباس
نکرد و تحويل پلیس نداد تا اینکه کافیو را دیگر نیافرتند. پس از آن
«ماهونی» برای پاپ اعظم امروزی که در آن زمان کاردینال واتیکان بود
مطلوب را نوشت و گفت کافیو اکنون فراری است با بررسی پرونده
حقوقی او معلوم شد او زنده است و حقوقش را می گیرد. پس از ۶ مال
خبرنگاری او را در یک میسیون مذهبی در نزدیکی مدرسه در شهر
«سالیناز» می بیند در آن زمان کاردینال «ماهونی» طی خطابهای از
اشتباهاتش عذر خواهی کرد و گفت در اینگونه مسایل شخصی خام و
بی تجربه بوده است و اظهار داشت تاکنون با ۹۰ نفر از افراد مورد
تجاوز قرار گرفته بصورت محترمانه دیدار کرده ام و فهرستی از اسامی
آنها را در اطاق شخصی ام نگهداری می کنم و هر روز در حقشان دعا
می خوانم. او اضافه کرد «لیست اسامی کشیش های متوجه را دارم و
نباید فراموش کرد، کشیش های واقعی این ضایعات و حشتناک را
مرتكب شده اند، من از خداوند متعال در دعاهای روزانه ام مستلت

حسین رحیمی - تهران

حسین رحیمی - تهران

احترام یک طرفه

همه باید به باور مسلمانها احترام بگذارند اما مسلمانها مجاز نیستند به باور دیگران احترام بگذارند و نمی‌گذارند، تازه یک چیزی هم از مردم جهان طلبکارند!

مسلمانان باور دیگران را نهاینکه احترام نمی‌گذارند او را کافر و مشرک و بیدین و مرتد نیز می‌خوانند و کشتن شان را هم برای خود واجب شرعی می‌دانند. محمد در قرآن پیرو آیین‌های دیگر را نجس می‌داند. پس احترام به باور دیگران در اسلام بی معناست. اما تمام مردم جهان باید به باور مسلمانها احترام بگذارند در زمان علی اگر او یک تانک داشت بجای سربزیدن هفتصد تن، هفتاد هزار نفر را می‌کرد زیر تانک و می‌گشت. ماه رمضان که رسید حتی غیر مسلمانها هم در کشور آنها نباید برای خوردن خوراک به رستوران بروند، نوشابه‌ای بخورند یا سیگاری بکشند، چونکه آنها مجبور به گذاردن احترام به باور مسلمانها هستند! جرات دارند یک سبب گاز بزنند تا همانجا سبب را به فلاتش فروکنند و با شلاق حسابش را برسند. مسلمانها آنچنان وقیع و پُر رو شده‌اند که نه تنها در کشور خودشان به غیر مسلمانها زور می‌گویند و مجبورشان می‌کنند به باور و از غیر مسلمانها می‌خواهند به آئین‌های آنها احترام بگذارند و اگر در روز عاشورا در میدان شهر ترافیک را بند بیاورند و سینه زنی راه بیندازند کسی جرأت ندارد به آنها بگوید بالای چشمشان ابروست! مسلمانها زمانیکه در ضعف هستند مطیع و خوب هستند اما خدا رحم کند اگر مسلمان زورش بچرید، دمار از روزگار مردم در می‌آورند محمد هم تا زمانی که زور نداشت آرام و ملایم بود و آیه لاکراه فی الدین بروزیان داشت، اما همین که از مکه فرار کرد و در مدینه زورش زیاد شد آیه‌هایی مانند فمن یتبیع غیرالاسلام دنیا... (هرکس غیر از اسلام دینی قبول کند از او پذیرفته نیست) را با قدری تحويل مردم می‌داد. او در ۹ سالی که در مدینه بود ۷۸ جنگ راه انداخت ۳۷ غزوه و ۴۰ سریه، و به گشتن دگراندیشان و ثروتمندان و یهودیان و غیره پرداخت، زندگی ۹ سال آخر محمد همه در سرکوب دیگران گذشت. احترام به باور دیگران یعنی چه؟ محمد هم که مرد جانشینش ابوبکر به گشتن دگراندیشان ادامه داد، رسید به عمر ۳۰ هزار جنگجوی وحشی و گرسنه‌ی پا برنهای عرب را به جنگ با ایران فرستاد. مگر ایرانیان دین خود را نداشتند، چه کسی به باور آنها احترام گذاشت که امروز همه از ما می‌خواهند که به باور دیگران (یعنی مسلمانان) احترام بگذاریم. آقا جمع کنید این بساط احترام به باور دیگران را. احترام که یکطرفه نمی‌شود.

گفته تاریخی امام، که اقتصاد مال خر است، (با ۴۰۰۰ تومان شدن دلار، با ۷۰ هزار تومان شدن یک کیلو پسته، با ۱۲ هزار تومان شدن یک لبو، با پانصد تومان شدن یک دسته ریحان و با متري ده میلیون تومان شدن بهای یک آپارتمان معمولی کلنگی در خیابان فرعی و.......) بالاخره بطور کامل در ایران پیاده شد. اگر یک کارگر ساختمانی بخواهد در هنگام کار غذایی بخورد که نای کار کردن داشته باشد برای یک لقمه نان و پنیر ۶۷ تومان، یک لقمه نان و کره ۷۰ تومان، یک لقمه نان و تخم مرغ ۲۵۰ تومان باید پردازد، دیروز مهمان عزیزی از آمریکا داشتیم ناچار بودیم دو کیلو نارنگی که نعلاء در بازار فراوان‌تر است بخریم تا آبرویمان حفظ شود برای دو کیلو نارنگی درجه ۳، ۵ هزار تومان دادیم و دل درد گرفتیم دوستی که هر روز از جلوی میوه فروشی بالای شهر رفت و آمد دارد می‌گفت آنجا بهای یک کیلو نارنگی را ده هزار تومان دیده است. اقتصاد خری امام خوب کار می‌کند هرچه گرانی بیشتر باشد، مردم مطیع تر و آرامتر و نیازمندتر و دردمندتر می‌شوند. دیگر کسی وقت برای فکر کردن و توان برای اعتراض ندارد. پیش بینی امام سیزدهم درست از آب درآمد، هرچه فقیرتر، مسلمان‌تر و گیج و گنگ‌تر.

پس از مدت‌ها که از مسلمانها ناسزا و تهدیدی نشینیده بودیم، ماه پیش یکی از ارادل مسلمان از سن حوزه کالیفرنیا تلفن کرده و مانند قرآن کریم شان هرچه ناسزا و تهدید بود روی پیام گیر ما گذارده بود. همکار و پخش کننده بیداری آقای شهاب در سن حوزه مردک ترسورا پیدا کرد (واژه نخست نام فامیلش - ک - می‌باشد) و خواست با او ملاقاتی داشته باشد و بییند مرگ او چیست که ناسزا داده و تهدید کرده است. به این آقای (ک) چند بار برای قرار ملاقات تلفن می‌شود اما او امروز و فردا می‌کند و آخر سر هم تن به دیدار نمی‌دهد. فعلأً تلفن و نام و نشان او را به پلیس داده‌ایم اگر به مزاحمت خود ادامه دهد، پرونده او در اف - بی - آی و ایمی گریشن پی گیری خواهد شد.

پیش بینی تلحیخ یک دختر ۱۲ ساله برای سال نو با دنبال کردن سابقه دین‌ها، من شک ندارم امسال هم، مسلمان‌ها شمار زیادی از مسیحی‌ها و کلیمی‌ها را خواهند گشت، من شک ندارم هم مسیحی‌ها شمار زیادی از مسلمانها و حتا کلیمی‌ها را در گوشه‌ای از این جهان خواهند گشت. من شک ندارم امسال کلیمی‌ها هم شماری از مسلمانها و مسیحی‌ها را خواهند گشت. و هیچ شکی ندارم امسال شیعیان سنی‌ها را، سنی‌ها شیعیان را، هر دوی این‌ها سیک‌های هندی را و سیک‌ها مسلمان‌ها را به خاک و خون کشیده و خواهند گشت. کار دین‌ها گشتن است و گشتن و گشتن. مریم ۱۲ ساله کمپ پناهندگان ترکیه. پیش بینی پرونده سیاه ادیان بد سابقه که کار سختی نیست.

اسلام و فلاکتش (۲)

دکتر مهرآسا

نیست.

سخنم این بود و این است که عقیده آزاد است ولی محترم نیست؛ و احترام به عقیده سخنی ناروا و بی‌پایه است. زیرا هزاران عقیده وجود دارد که زیانبار و حتا کشنده‌اند؛ هزاران عقیده در تاریخ جهان ظاهر شده که سبب نابودی نسلهایی از بشر شده است. آیا عقاید حاکمان خونخوار جهان قابل احترام است؟ آیا فاشیسم و نازیسم محترمند؟ آیا عقیده هیتلر که معتقد بود تنها یک نژاد باید در جهان زنده باشد، محترم بود و محترم است؟ آیا عقیده خمینی که در زمان جنگ ایران و عراق می‌گفت: «تمام کشور هم برود مهم نیست؛ مهم این است که اسلام نشکند...» درست و قابل احترام بود؟... نه چنین نیست؛ و این گونه باورها بی‌تردید سخیف و پلیدند... ممکن است دارندۀ عقیده بهدلیل انسان بودن دارای حقوقی قانونی در زندگی باشد؛ اما باور سخیف محترم نیست.

نفس انسان محترم و قابل ستایش است؛ و حقوق بشر به ما امر می‌کند که حق زندگی و معاش و تلاش آدمیان را رعایت کنیم؛ و آدمیت را ارج نهیم و آدمی را به خاطر باورش آزار ندهیم و یا حذف نکنیم. اما اگر عقایدشان سخیف و مضر باشد، نمی‌توانیم چشم برهم نهیم و به چنان باوری احترام بگذاریم و چنان عقیده‌ای را ارج نهیم و بپذیریم. بر عکس باید با عقاید زیانبار در جدال و مبارزه بود. نقد و ایراد بر هر عقیده و ایدئولوژی روا و قابل قبول است و دموکراسی حکم می‌کند که هیچ کس حق ندارد از کار و نوشتار و گفتار ناقدان و ایرادگیران جلوگیری کند.

به گمان من، دینهای ابراهیمی با محتوائی که از آنها سراغ داریم، و باکنش و واکنشهایی که در طی گذشت‌دها قرن در جهان آدمیت از خود بروز داده‌اند و نتایج زیانباری که به بار آورده‌اند، زائدی زندگانی است و مردمان معتقد و جامعه‌ی گرفتار را به بیراوه و عقب ماندگی و تاریک‌اندیشی کشانده است. پس برای پاک شدن فضای جامعه و ذهنیت آدمی و از بین رفتن جهل و خرافات؛ و تولید نیک‌اندیشی و نیک‌کرداری، این باورها از جامعه باید به تدریج حذف شوند.

از دوستی که ۳۰۰ دلار یاری رساند تا ماشین خود را نفروشیم بی‌نهایت سپاسگزاریم. از خانم و آقای (ش) تایپ کنندگان بیداری که این ماه از دریافت حق‌الزحمه خود، خود داری کردند بی‌نهایت بی‌نهایت سپاسگزاریم.

در شماره پیش مقدمه‌ی موضوع را نوشتم و به موارد تقدس و معصومیت و یا مقدس و معصوم بودن مردمان ویژه و مبدأ و مکانهای آسمانی سازنده‌ی این گونه واژه‌ها اشاره کردم که هیچ فرد و منبعی مقدس و معصوم نیست و عصمت و تقدس یاوه است. و سرانجام به دین اسلام رسیدم. دینی که سبب پس ماندگی و بدینختی مردمان باورمندش در جهان به گونه عمومی؛ و ایرانیان به گونه‌ای خصوصی و بدینهی شده است.

عنوان چهارده مقصوم از ساخته‌های مذهب شیعه است و در تسنن چنین واژه و عنوانی وجود ندارد. بالاترین این مقصومان یعنی مقصوم اول، محمدابن عبدالله است که مدعی پیامبری بوده و با پشتکار همراه جنگ و آدمکشی به مقصود رسیده و زمانی که از دنیا رفت، حاکم و سلطان عربستان شده بود.

مقصوم به کسی گفته می‌شود که از روز نخست زندگی تا روز پایان عمر و زمان مرگ، هیچ گناهی از او سرنزد و هیچ موجود زنده‌ای را نیازرده و خونی نریخته و حتا شپش را هم نکشته است اچنین فردی با چنین مشخصات را چه کسی سراغ دارد؟

اما مشکل شیعیان و پیروان چهارده مقصوم این است که با وجود این باور بی‌پایه، قرآن خلاف نظر آنها می‌گوید خود محمد پیغمبر نیز مقصوم نبوده است؛ و در قرآن به گناهکار بودن او بارها اشاره شده است. برای اثبات موضوع بهترین دلیل آوردن سوره شرح است که در قرآن به شماره ۹۴ درج شده و دارای هشت آیه به شرح زیر است:

«الْمُنْشَرَحُ لَكَ صَدِرَكَ (۱) وَ وَضَعْنَا عَنْكَ وِزَرَكَ (۲) الَّذِي أَنْقَضَ ظَهَرَكَ (۳) وَ رَفَعْنَالَكَ ذَكَرَكَ (۴) فَإِنَّ مَقَالَقَسِيرٍ يُسَرَا (۵) إِنَّ مَقَالَعَسِيرٍ يُسَرَا (۶) فَإِذَا فَرَغْتَ فَأَنْصَبْ (۷) وَالِّي رَبِّكَ فَارَ غَبَ (۸)»

روی کلام آیه خطاب به محمد است از سوی الله به‌این مفهوم: «آیا ما سینه تو را نشکافتیم؟ - و بار سنگین گناه را از دوشت برنداشتیم؟ - چیزی (گناهی) که پشت را خم کرده و می‌شکست - و نام تو را بالا بردیم و به رفت رساندیم - پس همانا با هر سختی سهولتی هست - همانا با هر سختی، سهولتی هست (تکرار زالد) - پس وقتی فراخست یافتنی کار دیگران را انجام بده - و به‌سوی خداست راغب باش»

نخست توجه فرمائید چه اندازه کلام نارسا است. دوم الله (که در واقع خود محمد است) محمد را گناهکار معرفی می‌کند؛ لذا حضرت مقصوم نبوده و خدا بار گناهان را از دوشش برداشته است.

بی‌شبه بقیه آن سیزده مقصوم مذهب تشیع نیز در همین رده و ردیفند؛ آن گونه که نه آن اشخاص و نه دین ادعائی شان مبرا از نقد و ایراد

دعا نکنید، دقت کنید

اگر دعا کردن اثر داشت، رودآمازون از وسط عربستان می‌گذشت و سومالی به آمریکا گندم صادر می‌کردا اگر دعا اثر داشت هرجوانی که مادر داشت در کنکور به راحتی پذیرفته می‌شد و هیچ فرزندی بیمار نمی‌شد.

اگر دعا اثر داشت فینال جام جهانی فوتبال هر سال بین پاکستان و عربستان و ایران و عراق برگزار می‌شد.

اگر دعا اثر داشت دست چلاق شده رهبر با دعای مردم همیشه در صحنه تابحال خوب شده بود و یک دست هم اضافی پیدا می‌کردا برای این اگر دعا اثر داشت جمهوری اسلامی تا به امروز نفله شده و از بین رفت به بود. اگر دعا فایده داشت فلسطینی‌ها اسراییل را به درون دریا فرستاده بودند اگر دعا کاری صورت می‌داد کلیمی‌ها با مسلمانها به صلح رسیده بودند و بشار اسد پس از ده هزار کشته از مردم سوریه ساقط می‌شد و اگر دعا اثر داشت در بین دین دارها یک بیمار بدون علاج پیدا نمی‌شد. آری، بی اثربین و بیهوده ترین کارها برای انسان دعا خواندن اوست. اثر دعا در سودی است که به جیب آخوندها می‌ریزد.

نسل بالای پنجاه سال یک تعهد، وظیفه و بدھکاری به نسل‌های آینده ایران دارد و آن دادن یک گزارش واقعی است از آنچه برسویش آمده است، چه به توطئه دیگران و چه به اشتباه خودش. چون این نسل بالای پنجاه اگر از بین برود، نسل جوان درگیر شده در چرخ و دنده‌های زندگی مُدرن فرصت برگشت و جستجوی، ریشه ناملایماتی‌ها را که طی سده‌ها بر سر ایرانیان آمده است ندارد. ما تا روزی که زنده هستیم باید آنچه را در توانمان هست در باره یکی از مهم‌ترین دلایل گرفتاری ایرانیان یعنی دین اسلام بگوییم و بتویسیم و استناد لازم را برای آنها جمع آوری کنیم. آنچه را که ما با آمدن یک حکومت اسلامی به ایران با چشم خود دیدیم، تجسم اش هم برای آیندگان مشکل خواهد بود چه رسید خودشان فرصت مبارزه با آن را داشته باشند. جامعه امروز ایران دهها نشیوه مانند بیداری و بهتر از آن را نیاز دارد تا از آنچه بر سرش آمده آیندگان را آگاه نماید. این بدھکاری را هر ایرانی باید به شکلی در پرداخت آن سهیم و شریک گردد.

چه زمانه‌ایست - فروردین ۱۳۹۲ ایرانی از زمان تشکیل دولت ماد - ۲۵۷۲ هخامنشی - ۳۷۵۱ زرتشتی - ۲۵۵۲ شاهنشاهی کورش بزرگ - ۵۷۷۳ یهودی - آپریل ۲۰۱۳ مسیحی - ۱۳۹۲ اسلامی زمان فوار محمد به مدینه.

دین یا دین دار؟

هنگامی که زنی را ب مجرم زنا، سنگسار می‌کنند و شنیع ترین جنایت علیه بشریت به وقوع می‌پیوندد، چه کسی را باید مسئول دانست، دین یا قاضی و مأموران اجرای حکم را؟ یا وقتی مجرمی را به دار می‌آویزند و دست و پای سارقی را از بدن جدا می‌کنند، چه کسی را باید جنایتکار دانست، سارق بیمار و گرسنه را یا مجریان حکومت دینی را؟ و یا زمانی که دگراندیشان را در میاهچال‌های زندان شکنجه و تحقیر و تجاوز می‌کنند چه کسی را باید مسئول بدانیم، بازجو، قاضی و یا آن آیینی که چنین اعمالی را تنظیم و تأیید می‌کند؟ از آن بدتر هنگامیکه دختران باکره را در شب پیش از اعدام مورد تجاوز قرار می‌دهند تا خداوند او را به بخش نفرستد چه کسی یا دستوری را باید مسئول دانست، پاسداری را که یک شبه داماد شده است و وظیفه دینی خود را انجام داده است یا وظیفه امنیتی و اداری خویش را. کشتارهای سال ۶۶ و ۶۷ را خمینی مسئول می‌باشد یا اسلام که خمینی را به این راه کشانیده است که بی محابا انسان بکشد و اعدام کند؟

آنچه پاسخ صریح و روشن به این پرسش‌ها را دشوار ساخته است دین است. دین ما را از رو در رویی با این پرسش‌ها باز نگاه می‌دارد. از نزدیک شدن به دین بخاطر واکنش جماعت دینی هراس داریم. کوته اندیشان با این سخن که مگر می‌توان دین را از مردم گرفت مانع چنین پرسش‌ها می‌گردند. آنها با چنگال و دندانشان از دین پدافنده می‌کنند آنها دخالت دین را در کارهای بالا انکار می‌کنند که اگر نکنند باید خود را مسئول بدانند. این یکی از ویژگی‌های شخصیتی دینداران مسلمان است که تاب و توان رو در رویی با حقیقت را ندارند. آنها دلبسته افسانه‌ها و دروغ‌ها می‌شوند اخیراً کسانی که در خمینی شهر به حریم خصوصی خانواده‌ای حمله بردند و به زنان و دختران خانواده در جلوی مردانشان تجاوز کرده‌اند، کار خود را قصد امر به معروف و اجرای فرائض دینی دانسته‌اند، بنظر من بجای مجریان معذور باید دین را به دادگاه بکشانیم.

در تشییع جنازه آخوند بی‌هنر (آیت‌الله مجتبی تهرانی) بیش از هزار نفر از مردم تهران شرکت کردند. و در مراسم تشییع جنازه هنرمند بی‌مانند موسیقی مهندس همایون خرم خیلی کمتر از هزار نفر شرکت کردند. و چنین بود در مراسم تشییع جنازه دکتر محمود عنایت یکی از نوادر کار روزنامه نگاری ایران کمتر از یک‌سده نفر شرکت نمودند روشنگران عقیم شده ایران که از ترس اسلام خفغان مرگ گرفته‌اند در هیچ موردی صدایشان در نمی‌آید و همه این ناهنجاریها را از مردم می‌بینند و راحت به زندگی خود ادامه می‌دهند.

نازین خودتان هم بباورانید. در اینصورت است که او به طعن‌های دیگران حساس نمی‌شود. ضمناً شما به فرزند خود بگویید که دین آنها هم هیچ برتری بر دین ما ندارد، دین اسلام از روی آن دو دین تقلید شده است. کار شما آگاهی دادن به فرزندتان است، بقیه کارها را زمان خود به خود حل خواهد کرد. سعی کنید بین فرزند شما با آن دیگر بچه‌ها دوستی‌های انسانی چنان عمیق شود که اختلاف‌های دینی مسالمی پیش نیاورد. سعی کنید بچه شما نفرتی در دل نسبت به هیچ انسانی، آنهم بخاطر نادانی‌های آنها پیدا نکند آن بچه‌های کلیمی یا مسیحی هم از سر ناگاهی است که فرزند شما را آزار داده‌اند. دفاع فرزند شما از اسلام در برابر آن بچه‌ها، آینده فرزند خود شما را با خطرهای بزرگتری رویرو می‌سازد، به فرزند خود همزیستی مسالمت‌آمیز را حتی اگر یکطرفه هم باشد بیاموزید و نتایج آن را ببینید، کلیمی‌ها و مسیحی‌ها چون همواره در کسوت اقلیت در بین ایرانیان بوده‌اند احساس می‌کنند تحت ستم اکثریت بوده‌اند اگر اسلام در میهن ما مهار شود و از داشتن زور اکثریت بیفتند همه چیز به حال تعادل درخواهد آمد، از جمله همین مشکل فرزند شما. جنگیدن با آن همکلاسی‌های غیرمسلمان اصلاً به سود فرزند شما نیست، در نهایت می‌توانید با چند تن از پدر و مادرهای آن بچه‌ها گفتگوی دوستانه ترتیب بدھید و موضوع را در میان بگذارید.

جوانان درون ایران، یادمان باشد

ما دشمن عربها نیستیم، حتی با مسلمانها هم هیچ ضدیتی نداریم. ما با اسلام که بدترین دین جهان شناخته شده است و با شمشیر و سودن زدن کار خودش را شروع کرده و یک روز هم در درازای ۱۴۰۰ سال دست از ریختن خون انسانها برنداشته است ضدیت، دشمنی، بلکه سر جنگ داریم، ما به دفاع از همه بی‌گناهان و مظلومانی که به اراده اسلام و به دست اسلامی‌ها در طول تاریخ گشته شدند، شکنجه شدند، به زندان افتادند، خانه هاشان ویران و خانمانشان برباد رفت ب Roxastه ایم اگر چه در این میدان با یک شمشیر بدست بیرحم و ناانسان طرف شده‌ایم و در یک نبرد نابرابر قرار گرفته‌ایم خوشبختانه هر روز که می‌گذرد بر جمعیت‌ها افزون و از شمار آنها کمتر و کمتر می‌شود و این است که در نهایت پیروزی از آن کسانی است که زندگی خود را در راه این آرمان مقدس، یعنی رهایی انسان ایرانی از بند توهمند و ناگاهی که سدی برای پیشرفت و سرفرازی ایرانیان شده بگذارند.

نامه‌ها و پیام‌های آمده

* من خواستم مبلغی کوچک برای شورای موقت ملی به تلویزیون بفرستم، اما زمانی که آقای فروزنده اعلام کرد هر کسی هزار دلار به بالا بفرستد یک جلد قرآن آریامهری جایزه خواهد گرفت از فرستادن پول خود داری کردم. من این قرآن را دارم. آیه‌های مزخرف ش همان آیه‌های قرآن عمر و عثمان و علی است. فریدون

* یک نفر از نویسندهای نشریه بیداری خودش را برای انتخابات شورای ملی کاندید کند و در میان آنها باشد تا آنها دوباره اسلام را با ماده و تبصره به ریش مردم ایران بنندند. زندی

* آقای شهرام همایون داد و فریاد راه انداخته بود که ما هرگز آتش پرست نبوده و نخستین ملتی بوده‌ایم که به خدای یگانه ایمان داشته‌ایم. از آقای همایون پرسید برتیری خدای یگانه بر خدای چندگانه چیست. مینو - د

* آیا بهتر نیست در بیداری کمی آرامتر بنویسید، چون هنوز خیلی‌ها نمی‌توانند نوشته‌های شما را هضم کنند. ایزدی

* بیداری - این دلسوزی‌های از سر حُسن نیت را ما همیشه داشته‌ایم که فقط از خرافات بنویسید و به امام و پیامبر و خدا کاری نداشته باشید. پاسخ ما به این خواننده (احتمالاً) جدید بیداری دو بخش دارد. بخش نخست اینکه اگر بیداری تا به امروز موقعيتی داشته و تغییرات عمدی در اندیشه‌های دینی ایرانیان پدید آورده بیشتر به دلیل همین گستاخی در ابراز حقایق بوده و پنهان نکردن هیچ نکته‌ای از ادیان.

بخش دوم - این که، اکنون ما بیشتر به درون ایران می‌اندیشیم و مرکز آگاهی رسانند است. ایرانیان بیرون دیگر هدفی برای این روشنگری‌ها نیستند. آنها که باید پذیرنند، پذیرفته‌اند، آنها بی هم که نپذیرفته‌اند با هیچ زبانی نمی‌خواهند بیدار شوند، اما درون ایران مردم بویژه جوانها تشنۀ مطالبی چنین بی‌پرده و سخنانی بدون ملاحظه هستند. امید ما به درون ایران است. آنها بشدت پذیرا و نیازمند چنین فاشگویی و پرده دری هستند. - بیداری

* دختر من با چند دختر کلیمی و مسیحی هم کلاس است. چندی پیش به من گفت پدر جان، بهرحال دین ما اسلام است. در مدرسه که همه به اسلام بد می‌گویند، شما هم که اسلام را کنار گذاشته و با او مبارزه می‌کنی پس تکلیف من در برابر این دختر کلیمی‌ها و مسیحی‌ها که از دین خودشان پشتیبانی می‌کنند و خیلی هم پز می‌دهند چیست؟ آخر من چی هستم؟ من پاسخی نداشتم به دخترم بدhem حالا شما دست اندرکاران نشریه بیداری به من بگویید به دخترم که این مشکل را در مدرسه پیدا کرده چه بگویم.

* بیداری - ناراحتی شما را می‌فهمیم - مشکل شما را دیگرانی هم داشته‌اند، این هزینه‌ای است که شما در اثر آگاه شدن و بیداری خودتان باید پردازید، خیلی‌ها در این راه جان شیرین را از دست دادند. اگر شما خودتان عمیقاً به این موضوع باور پیدا کرده‌اید که اسلام یک دین ضد زن، ضد انسان و ضد زندگی و شادی است باید اینها را به فرزند

رفعت‌الله بلوور

خدا یا تو را شکر می‌کنم!

خدا یا تو را شکر می‌کنم که مرا زن نیافریدی‌ا، این دعایی است که در ۲۴ ساعت شبانه روز چندین مرتبه توسط یک مرد یهودی به‌اصطلاح متدين مذهبی و معتقد به‌اصول کامل دین خوانده می‌شود. اما آخوندهای یهودی در سخنرانی‌های روز شبات یا در مراسم ختم از دست رفتگان جامعه و در اکثر مراسmi که در کنیساها برپا می‌شود برعکس این دعای آمده در تورات را به‌زبان می‌آورند و می‌گویند، تورات مقام والایی برای زن یهودی قابل شده است. خواهران گرامی یهودی‌ام، ملایان به‌شما دروغ می‌گویند. با مطالعه دقیق می‌بینیم که تورات برای مردان و ذلیل کردن و آزار زنان نوشته شده است، یا آنجا که در فصل پیدایش تورات خدا رو به زنان می‌گوید «درد زایمان تو را زیاد می‌کنم»... چرا؟ مگر برای خدا زن و مرد باید فرقی داشته باشد؟

سید اولاد بی پدر

سید اولاد پیغمبر نداریم، چون پیامبر فرزند پسر ازدواج کرده نداشت تا از او فرزندی باقی بماند و بشود سید اولاد پیغمبر! سیدها در ایران فرزندان زنانی هستند که یا مورد تجاوز اعراب واقع شدند و یا به میل خود با تازیان همخوابگی کردند و پدران فرزندانشان معلوم نیست کیست. حتی فرزندان باقی مانده از ازدواج زنهای ایرانی با تازیان نیز سید اولاد پیامبر نیستند چون محمد پسری به‌ثمر رسیده نداشت که فرزندی از او باقی مانده باشد. درست تر آنست که بجای سید اولاد پیغمبر، گفته شود سید اولاد بی پدر! بقول آقای حسین رحیمی که از تهران برای ما مطالبی می‌نویسد «بدبختی اینجاست که این سیدها توقع احترام ویژه و کوشش هم دارند که جلویشان دول و راست شویم. اینها آمدند ایران زنهای ما را گرفتند، ساکن شدند، بچه دار شدند بومی شدند، قدمشان هم روی سر ما. اما توقع آنها برای احترام ویژه دیگر قابل تحمل نیست».

حتی یک انسان غارنشین راجع به‌زنان

چنین سخن نمی‌گوید

بخشی از نطق آخوند مدرس پس از پیشنهاد نمایندگان روشنفکر مجلس مشروطه برای حق رای دادن به‌بانوان کشور «آخر ما هرچه تأمل می‌بینیم می‌بینیم خداوند قابلیت در زن‌ها قرار نداده که لیاقت انتخاب کردن داشته باشد، عقول این‌ها استعداد ندارد و تحت قیمه‌ی قرار دارند، چطور ممکن است به‌آن‌ها حق انتخاب کردن داده شود».

و امروز بانوان ما پیروان پر و پا قرص آخوندها هستند و ما نام این مرد نادان را روی خیابان‌هایمان می‌گذاریم و در کتاب تاریخ از آنها بنام بزرگان ایران زمین در دوران مشروطیت یاد می‌بینیم.

از مدرس بدتر آخوند دیگری مشهور به‌نام شیخ فضل‌الله نوری است که گفت، «هرکس به قانون‌گذاری اعتقاد داشته باشد مرتد است. چون ما قانون‌الله داریم و هرکس مرتد شد خونش حلال است، زنش هم می‌شود مال خودمان و اموالش هم. عجم‌های باستان که این مشروطه خواهان مددخان را می‌گویند خبیث‌ترین طوایف بودند. آزادی قلم و لسان منافی با قانون‌الله است، فایده این آزادی چیست، بنای قرآن این است که آزادی نباشد، اگر فردا یهود و نصاری و مجوس و بابیه آمدند پای منبر و محراب ما، القای شیطنت کردند و قلوب صافیه مومین را تضليل کردند چه می‌خواهیم بگوییم؟ یکی از مواد آن ضلالت نامه (قانون اساسی مشروطه) این است که افراد مملکت متساوی الحقوق‌اند، من به حضرات گفتم بدانید مملکت اسلامیه مشروطه نخواهد شد، زیرا که محال است با اسلام حکم مساوات داد. ای ملحد، مملکت اسلامیه مشروطه نخواهد شد، زیرا که محال است با اسلام حکم مساوات داد. ای ملحد، اگر این قانون دولتی مطابق اسلام است که ممکن نیست در آن مساوات باشد. ای بی‌شرف ای بی‌غیرت بیین صاحب شرع برای اینکه تو متخل به‌اسلامی شرف مقرر فرموده و امتیاز داده و تو خودت از خودت سلب امتیاز می‌کنی و می‌گویی ما باید با مجوس و ارمنی و یهودی برابر و برابر باشیم».

رساله حرمت مشروطه از شیخ فضل‌الله نوری صفحه‌های ۱۵۱ تا ۱۶۷ و ما نام این مسلمان غارنشین را در روی بزرگراه می‌گذاریم، او را شهید می‌نامیم و به مظلومیتش فیلم و سریال می‌سازیم. و مردم ما زیر منابر و علّم این‌ها سینه می‌زنند و جلویشان تا کمر خم می‌شوند. یاوه‌های آخوندکی بنام طائب را هم شنیدید که گفت سوریه برای ما بر خوزستان ارجحیت دارد. این زائده‌های حیف نان از هر دشمنی برای ایران بدتر و خطرناکتر هستند. ما هرچه می‌کشیم از دست روشنفکرانمان است که در صحنه مبارزه با این جماعت نیستند و خود را کنار کشیده‌اند.

روی اینترنت برنامه‌های آقای پرویز مینویی در تلویزیون E2 دوشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها از ساعت ۳ تا ۵ به زمان کالیفرنیا می‌باشد - به برنامه‌های روشنگری رادیو هوستون با تلفن ۸۳۲-۲۹۸۸ و به رادیو مانی www.myradiostream.com که یک رادیوی کاملاً متفاوت است گوش کنید.

Thinking points for Iranian youth

The truth is: Encroaching Islam with its rule of sharia presents an imminent threat to subvert and replace the constitution that governs our lives. Unlike Muslims who practice taqiyyah-lying or dissimulation-I proudly speak the truth. Truth should never be sacrificed at the altar of any goal.

It is time to establish a Religious Review Board (PRB) is this an outlandishly absurd proposal? Not at all. Serious problems require equally serious solutions. Amil Imani

هم میهنان گرامی، ما به پوشینه (جلد) یکم کتاب کارنامه کورش آریامنش نوشه آله دالفک نیاز داریم، اگر در کتابخانه خود دارید و آنرا خوانده اید لطف کرده بما هدیه کنید تا از نوشه های آن بهره بگیریم.

برای تهیه ۶۰ شماره بیداری که به صورت ۳ جلد کتاب شده به نام خردنامه بیداری به تلفن های زیر مراجعه نمایید.
 ۱۳۰۰-۳۲۰ (۸۵۸)
 ۱۵۱-۴۴۶ (۳۱۰)
 ۱۰۵۱-۴۴۱ (۳۱۰)
 ۷۴۷۷-۴۷۷ (۳۱۰)

دفتر بیداری	کلبه کتاب	کتاب فروشی پارس	شوکت کتاب
-------------	-----------	-----------------	-----------

تلفن و فکس بیداری (858) 320-0013
 bidari2@Hotmail.com www.bidari.org

بیداری

نشریه کانون خردمندی ایرانیان

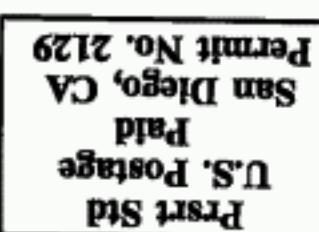
خدابزرگترین توهمندی

اگر بجای عربستان، محمد در استرالیا ظهور می کرد، بجای سوره بقره (یعنی گاو) سوره مبارکه (کانگورو) را می آورد! بنام خودم که خیلی رحیمان و رحیم هستم (۱) سوگند به کانگورو (۲) هنگامی که می جهد (۳) در او نشانه هایی است (۴) بنگر که چگونه کیسه ای رادر شکم او جا دادیم (۵) و چرا این کیسه را در نشیمنگاه او قرار ندادیم (۶) که طفل او در هنگام نشستن له و لورده نشود (۷) و این از معجزات الله است (۸) ای محمد بگو، آیا این کافی نیست تا کافران ایمان بیاورند و تورا پیامبر بدانند (۹) الله دانا و تواناست (۱۰) به دروغ یا به راست!

چند نکته دائمی

- ۱- بدليل کمبود جا در بیداری، بیشتر نوشه ها را ناچار به کوتاه کردن هستیم.
- ۲- هرچا سخن از دین در بیداری شد، منظور دین های مشهور به آسمانی هستند.
- ۳- خواهش می کنیم بیداری ها را پس از خواندن با یگانی تکنید، بدھید دیگران هم بخوانند.

در شماره گذشته بیداری در نوشه «روشنفکران سرگردان» انتقادی داشتیم برونوشه های متضاد آقای ناصر شاهین پر نسبت به اسلام. انتقاد مستند ما در آن نوشه، ایشان را برآشته کرده و طی مقاله مفصلی در مجله فردوسی، تلاش های نویسنده کان نشریه بیداری را مردود، و بیداری را نشیه ای فحاش و بی محظوظ خوانده است. پاسخ مناسب ایشان در شماره بعد داده خواهد شد.



BIDARI
P.O.BOX 22777
San Diego CA 92192
U.S.A
First Std Postage
U.S. Postage Paid
San Diego, CA
Permit No. 2129